

چالش‌های پیش روی فعالیت‌های فرهنگی دستگاه‌ها و نهادهای دولتی

دکتر سیداحمد حسینی و آرش کرامتی

در این مقاله، به بحث در چالش‌ها و نقطه ضعف‌های موجود در بخش فعالیت‌های فرهنگی و دولتی پرداخته شده است که برخی از این موارد شامل ناتوانی سازمان‌های متصدی امور فرهنگی در تأمین مالی خود و عدم وجود رابطه ارگانیک میان سازمان‌های موجود در این زمینه و موازی‌کاری‌ها، می‌شوند. سپس به ارائه برخی راهکارها در زمینه ساماندهی فعالیت‌های فرهنگی دولتی (مانند تعریف رابطه ارگانیک میان سازمان‌های مربوطه و ایجاد ستادهای هماهنگی و شوراهای متمرکز برای مشخص شدن این گونه رابطه، استفاده از اختیارات مقام معظم رهبری به موجب قانون اساسی برای تعیین اهداف و سیاست‌های کلان فرهنگی کشور و همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مجلس شورای اسلامی در این زمینه) اشاره شده است. سرانجام نیز به حوزه‌هایی که تصدی دولت در آنها به ضرورت باید برقرار باشد (شامل مواردی مانند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی جامع، فعالیت‌های فرهنگی خارج از کشور و یا دارای موارد امنیتی خاص، اجرای خدمات کلان ملی، اجرای روش‌های هدایتی و ترویجی در برخی موارد) پرداخته شده است.

مقدمه: اهداف فرهنگی، یکی از اساسی‌ترین موضوع‌های مورد توجه انقلاب اسلامی ایران بوده است و تبلور این هدف از میان مجموعه شعارها و آرمان‌های انقلاب اسلامی و قانون‌های کلان فرهنگی کشور به طور مشهودی نمایان می‌باشد. با این وجود برای دستیابی به اهداف فرهنگی مورد نظر نیاز به مجموعه اقدام‌هایی است که با ایجاد تحول در رده‌های فعالیت و مأموریتی هر یک از سازمان‌های فرهنگی دولتی و غیردولتی آغاز می‌شود.

از این رو، شناسایی آسیب‌ها، چالش‌ها و نقاط ضعف و قوت در حوزه مأموریتی و فعالیت این سازمان‌ها، شرایط را برای مقابله با آنها و برای برنامه‌ریزی اصولی برای دستیابی به الگوی مناسب برای سازماندهی فعالیت‌های فرهنگی این سازمان‌ها فراهم می‌آورد. در این مقاله تلاش نویسنده بر آن بوده است تا با توجه به مطالعات انجام شده متعدد، به نقاط ضعف و چالش‌های موجود در این زمینه اشاره کند و برخی ضرورت‌ها را در مورد حضور دولت در فعالیت‌های حاکمیتی برشمارد و نیز طرحی اجمالی را در مورد ساماندهی فعالیت‌های فرهنگی دولتی ارائه نماید.

دستیابی به ایده‌های لازم برای ساماندهی امور فرهنگی کشور در حوزه سازمان‌های دینی و فرهنگی نیاز به ارائه برخی تعاریف ویژه درباره دولت و همچنین طبقه‌بندی نوع تعامل دولت با فرهنگ دارد، که به تناسب مباحث این مقاله به آنها می‌پردازیم.

حکومت - دولت:

با مرور معنای لغوی حکومت نتیجه می‌گیریم، که حکومت؛ عبارت از نوعی مراقبت و نظارت در جهت مصالح مردم و جلوگیری از تجاوز و برتری خواهی و برقراری تعادل در جامعه است.

دولت در اصطلاح مدرن، اجتماع انسان‌هایی است که در سرزمین خاصی سکونت کرده‌اند و دارای حکومتی هستند که بر آنها اعمال حکومت می‌کند. بر اساس این

تعریف، دولت در معنای وسیع کلمه دارای ۴ رکن اساسی است: قلمرو یا سرزمین، جمعیت یا ملت، حکومت (۳ قوه) و حاکمیت. (آقایی: ۱۴ و علی بابایی: ۳۰۳)

ناصر کاتوزیان می‌نویسد: در زبان حقوقی ما دولت به دو معنی خاص و عام به کار می‌رود:

۱- دولت، به معنی خاص، به مدیران کشور گفته می‌شود و سازمان‌های اداری و اجرایی را در بر می‌گیرد. اداره این سازمان‌ها به طور معمول بر عهده هیئت وزیران است و احتمال دارد به ریاست نخست‌وزیر یا رئیس جمهور تشکیل و هدایت شود. چنانکه پیش از اصلاح قانون اساسی، نخست وزیر این وظیفه را بر عهده داشت و اکنون با رئیس جمهور است.

۲- دولت به معنی عام، مترادف با حکومت است و شامل تمام سازمان‌های اداری و قضایی و قانونگذاری می‌شود و وصف بارز آن حاکمیت سلطه در روابط داخلی و بین‌المللی است (آقایی، ۵۱)

ماهیت دولت (سطوح مختلف دولت)

الف - دولت به عنوان مرکز خدمات‌دهی (دولت در سطح خرد)

چنانچه همانند گارنر

«دولت را محصول فرایند تدریجی رشد اجتماعی» بدانیم در بررسی تاریخ تحول دولت‌ها خواهیم دید که دولت در قرون باستانی، تنها وظیفه‌اش ارائه «خدمات» بوده است؛ یعنی «شکل قبیله‌ای دولت، امپراتوری شرقی، شهر - دولت‌های اولیه، امپراتوری روم و حکومت فئودالی گرچه در دست‌نهایی‌ها به عنوان دولت محسوب می‌شوند، اما

فاقد برخی از عناصر اصلی و ویژگی‌های دولت امروزی بودند». مشخصه مشترک این دولت‌ها ارائه خدمت‌ها در استفاده از مقدرات اجتماعی، مانند کسب ثروت، اکتساب علم و برخورداری از امنیت بوده است. گرچه این دولت در خدمات‌دهی مدیریت می‌کرده، اما این مدیریت در حد خرد بوده است، یعنی «مدیریتی که در آن موضوع و مکان مورد مدیریت، تعیین و تشخیص خاص داشته

است؛ به گونه‌ای که دولت‌ها در همان بافت سنتی اجتماع، از جهت تولید، توزیع و مصرف مقدرات اجتماعی عمل می‌کردند». در صورتی که بر حسب شرایط اجتماعی، تأمین خدمات فرهنگی بخشی از مقدرات اجتماعی محسوب می‌گردید، آنها اقدام به آن می‌کردند و گاهی آن را ایزاری برای برقراری امنیت و بقای حکومت خود می‌پنداشتند.

ب - دولت به عنوان مرکز نظارت کننده (دولت در سطح کلان)

«در سده‌های میانی دولت نو شکل گرفت. گرچه در این دوران، وجود کلیسا به صورت

سازمان یافته مانع رشد دولت ملی بود، ولی دولت‌های جدید بر اساس اصول دموکراسی، حاکمیت عمومی و ناسیونالیسم به تدریج شکل گرفتند.» این دولت‌ها علاوه بر خدمات‌دهی، بر تولید، توزیع و مصرف مقدرات اجتماعی «نظارت» داشتند. بنابراین، مدیریت این نوع دولت‌ها در سطح کلان بوده است. «مدیریت کلان، به

دولت در اصطلاح مدرن اجتماع انسان‌هایی است که در سرزمین خاصی سکونت کرده‌اند و دارای حکومتی هستند که بر آنها اعمال حکومت می‌کند بر اساس این تعریف دولت در معنای وسیع کلمه دارای ۴ رکن اساسی است قلمرو یا سرزمین جمعیت یا ملت حکومت (سه قوه) و حاکمیت

معنی مدیریت بر ساختارهای اجتماعی است، در این سطح از مدیریت، توازن اجتماعی و توزیع مقدرات اجتماعی بین نهادها و آحاد جامعه به گونه‌ای صورت می‌پذیرد، که متناسب با مقاصد و ارزش‌ها باشد.

پ - دولت به عنوان مرکز سرپرستی (دولت در سطح توسعه)

«در سده نوزدهم دموکراسی رشد یافت، گرچه این روند در ابتدا با تشکیل امپراتوری‌های بزرگ - که جنبه استعماری داشتند - عجین شده بود، ولی به تدریج دولت دموکراتیک پیشرفته امروزی شکل یافت. امروز جهان یکی شده است و ثبات و نظم درون یک دولت تا حدی به ثبات و نظم در جهان بستگی یافته است.» دولت در دنیای امروز نه تنها نسبت به مقدرات اجتماعی خدمات دارد و بر تولید، توزیع و مصرف آن نظارت دارد بلکه، در سطح توسعه نه «مدیریت» می‌پردازد. دولت سرپرست، بسته به ماهیت ارزشی که دارد، می‌تواند نسبت به امور فرهنگی جامعه مقید و یا بی تفاوت باشد. در هر حال، بسیاری از کشورها موضعی خنثی نسبت به فرهنگ دارند.

در اینجا پس از ارائه تعریفی از دولت در ۳ مقطع، به خلاصه‌ای از نتایج پژوهش‌های انجام شده در زمینه ساماندهی وضعیت سازمان‌های فرهنگی دولتی می‌پردازیم:

چالش‌های اساسی مورد توجه در مطالعات انجام شده: نهادها و سازمان‌های فرهنگی کشور اعم از دولتی و غیر دولتی با معضلات اساسی تشکیلاتی و سازمانی مواجه هستند. این سازمان‌ها براساس مجموعه‌ای از ضرورت‌ها و نیازهای مشهود اجتماعی برای ارائه خدمات تعریف شده‌اند و مرتباً به تعداد آنها اضافه شده است، بدون آنکه از روابط ارگانیک و تعریف شده‌ای با یکدیگر برخوردار باشند و تقسیم وظایف شفاف بین آنها صورت گرفته باشد، و حوزه اقدامات مشخصی داشته باشند. امروزه شمار قابل توجهی از این نهادها و

سازمان‌ها به دلیل ناتوانی در تأمین منابع مالی مورد نیاز، وابسته به اعتبارات دولتی شده‌اند و تعداد آنها هم‌اکنون بالغ بر ۳۰ نهاد رسمی است.

نحوه سازماندهی، مدیریت، تنظیم و اجرای فعالیت‌ها، هماهنگی‌ها و اتخاذ تصمیمات خرد و کلان در سطوح ملی و سازمانی، تناسبی با وظایف محوله به هر یک از این سازمان‌ها نداشته و پاسخگوی تقاضا و نیاز جامعه به این‌گونه خدمات نیست.

ساختار کلان تشکیلات فرهنگی کشور، علاوه بر فقدان رابطه ارگانیک سازمانی، با تعدد دستگاه‌های اجرایی، موازی کاری، تداخل وظایف، تعدد مجاری تصمیم‌گیری، فقدان متولی برای برخی امور مواجه است.

تفکیک سازمان‌های دینی و فرهنگی از مجموعه سازمان‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی بدون توجه به پیوند ارگانیک با آن‌ها در پیکره تشکیلات اجرایی کشور و به ویژه انفکاک این سازمان‌ها از مجموعه سازمان‌های فرهنگی دولتی به نوعی زمینه را برای بروز مدیریت دوگانه فرهنگی فراهم کرده است

علاوه بر این قابل ذکر است که نیروی انسانی بخش عرضه خدمات فرهنگی به طور عمده فاقد توانمندی و تخصص کافی می‌باشد. در بسیاری از مناطق کشور به دلیل محرومیت گسترده، امکان دسترسی مردم به خدمات اولیه فرهنگی وجود ندارد و در هر نوع طرح ساماندهی فرهنگی، به این موضوع باید توجه جدی داشت. علاوه بر آن، توزیع امکانات و خدمات فرهنگی کشور از نقطه نظر جغرافیایی و جمعیتی ناهمگون و با اولویت نقاط شهری در مقابل نقاط روستایی، نقاط مرکزی کشور در قبال نقاط حاشیهای و مرزی، اقشار

مؤلفه‌های محیطی، تغییرات و اثرگذاری آنها مورد مطالعه و توجه جدی قرار گیرد.

۲- هر گونه تداخل وظایف و موازی کاری بین سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی به منظور اجتناب از هزینه‌های زائد و بهره‌گیری بهینه از منابع مالی حذف شود.

۳- برای برخی فعالیت‌های ویژه، مانند امور فرهنگی خارج از کشور، تولید امور موقوفات و تربیت طلاب و روحانیون، انجام پژوهش‌های بنیادی و کاربردی فرهنگی و ارائه آموزش‌های تخصصی ویژه مروجین فرهنگی، دستگاه واحدی تعریف شود.

۴- شیوه سازمان‌دهی و فعالیت نهادهای فرهنگی، منفی مردمی بودن ماهیت این گونه فعالیت‌ها نباشد.

۵- هر گونه ساماندهی فعالیت‌های فرهنگی و بازنگری در آن‌ها، استقلال نهادهای فرهنگی به‌ویژه حوزه‌های علمی، مساجد و اماکن دینی را دچار مخاطره نمی‌کند و در واقع مدیریت خدمات فرهنگی بر عهده نهادهای مردمی بوده و



دولت نقش پشتیبانی

و حمایتی دارد.

۶- از طریق ایجاد ستادهای هماهنگی و شوراهای متمرکز، ارتباط ارگانیک بین نهادهای فرهنگی و دینی برقرار می‌گردد و روابط طولی و عرضی به طور کامل مشخص می‌شوند.

۷- هر یک از فعالیت‌های فرهنگی باید دارای سازمان‌دهی واحد و متولی مشخص و منحصر بفردی باشد و تولید امور فرهنگی در حوزه وظیفه‌مندی دولت جنبه ستادی دارد و مبتنی بر محدوده تعریف شده و مشخص حاکمیتی است.

متوسط در قبال محرومین، رده سنی بزرگسال و میان سال در مقایسه با جوانان و بالاخره مردان در مقایسه با زنان می‌باشد.

ب- راهکارهای اجرایی ارائه شده در زمینه سازمان‌دهی و تشکیلات کلان:

۱- کلیه سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی باید دارای رابطه ارگانیک و تعریف شده با هم باشند و مجموعه

۸- تقسیم وظایف و تعیین اختیارات سازمان‌های فرهنگی در حوزه‌های فعالیتی بر اساس توانمندی‌ها و قابلیت‌های سازمانی، حقوقی، مالی و انسانی هر یک از آنها می‌باشد.

۹- سازمان‌دهی نهادهای فرهنگی در هر یک از حوزه‌های فعالیت اجتماعی نباید تنها جنبه انضمامی داشته باشد. به عنوان نمونه ما هم اکنون برای فعالیت‌های دینی در دانشگاه‌ها نهاد مشخصی را تعریف کرده‌ایم و همینطور برای انجام این‌گونه فعالیت‌ها در نیروهای مسلح به سازمان معین دیگری را مأموریت داده‌ایم. هر چند نبود این‌گونه سازمان‌ها به معنی رها کردن چنین اقدامی در این‌گونه مراکز است، ولی باید تلاش شود، انجام فعالیت‌های فرهنگی در هر یک از مراکز اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور ماهیتی خودجوش، درون‌زا و متکی بر خواست عمومی و مردمی داشته باشد و نهادهای تعبیه شده در پیکره هر یک از مراکز اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، وظیفه تسریع در فعالیت‌ها، سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، نظارت و هدایت را داشته باشند و مشخصاً توسعه فعالیت‌های فرهنگی جزء وظایف اصلی هر یک از مراکز ذکره شد باشد.

۱۰- تولید و عرضه کالاهای فرهنگی که جنبه کالا و خدمات عمومی فرامحلی دارد، از قبیل احداث مصلی‌ها، مساجد بین‌راهی، احیانا مساجد دانشگاهی، مجتمع‌های بزرگ فرهنگی و تبلیغی، انجام پژوهش‌های بنیادین فرهنگی، راه‌اندازی و مدیریت مراکز بزرگ اطلاع‌رسانی فرهنگی، سازمان‌دهی و برگزاری جشن‌ها و مراسم ملی فرهنگی و انقلابی و تولید امور موقوفات به لحاظ آنکه کالای عمومی فرامحلی هستند و تولید آنها تنها توسط دولت‌ها و از محل درآمد عمومی امکان‌پذیر است، در شرایط مطلوب بر عهده دولت و نظام حکومتی است و برای تحقق آن به عنوان یک وظیفه حاکمیتی نیاز به ایجاد سازمان‌های مختلف داریم.

۱۱- حوزه تصدی اجتناب‌ناپذیر دولت در حیطه فعالیت‌های فرهنگی، به عرضه این خدمات در نقاط محروم، مناطق مرزی و اهل تسنن اختصاص دارد و دولت باید با سازمان دهی فعالیت‌های این‌گونه مناطق، مدیریت اجرایی عرضه کالاهای فرهنگی را در این‌گونه مناطق بر عهده داشته باشد و نمی‌توان آنها را تنها به سازمان‌های فرهنگی غیر دولتی محول کرد.

۱۲- تعریف و ایجاد سازمان‌های متعدد فرهنگی براساس تنوع رسته‌های فعالیتی در صورتی که منجر به تعدد رویه کارکردی و ناسازگاری برنامه‌های تولید باشد، مطلوب نیست؛ باید با ایجاد یک یا ۲ سازمان اصلی و تعبیه نهادهای متعدد؛ ذیل هر یک از آنها و با برقراری روابط طولی تعریف شده شرایط را برای ایجاد هماهنگی هر چه بیشتر در زمینه عرضه خدمات فرهنگی فراهم آورد.

۱۳- در یک رابطه طولی سازمانی تنها اکتفا به نهاد رهبری و تعریف سازمان‌های متعدد فرهنگی ذیل آن نمی‌تواند موجبات هماهنگی و رابطه ارگانیک بین این سازمان‌ها را فراهم آورد و تنها با ایجاد یک یا ۲ حلقه واسط با نقش ستادی از قبیل شورای عالی انقلاب

فرهنگی در صورتی که این شورا چنین وظیفه‌ای را به خوبی ایفا کند، می‌توان چنین هدفی را تحقق بخشید.

۱۴- واگذاری تصدی‌های غیر ضروری به بخش‌های خصوصی و مردمی و اجتناب سازمان‌های فرهنگی از تصدی امور و اجرای عملیات و ادامه تولید تصدی امور اجتناب‌ناپذیر در کوتاه مدت و ایجاد زمینه برای واگذاری امور در بلندمدت باید مدنظر قرار گیرد.

۱۵- ایجاد تمرکز در اقدامات ستادی، نظیر سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی کلان، نظارت و تنظیم اقدامات حمایتی و هدایتی در سطوح ملی و استانی و اجتناب از موازی کاری، پراکنده کاری و تعدد سازمان‌های ستادی و صف در رده‌های واحد فعالیتی لازم می‌باشد.

۱۶- یکسان‌سازی اقدامات فرهنگی در مجاری مختلف فعالیت‌های اجتماعی شامل ایجاد سازمان ستادی و صف واحد برای فعالیت‌های دینی و فرهنگی مطرح می‌باشد و باید در جهت آن اقدام شود.

۱۷- گزینه مطلوب در خصوص تأمین منابع مالی سازمان‌های ستادی و صف فرهنگی و دینی، بهره‌گیری از منابع مالی و دولتی و اعتبارات مقام معظم رهبری است. ولی این اعتبارات تنها باید برای اقدامات ستادی و صف هزینه شود و هزینه اجرا و تصدی فعالیت‌های دینی و فرهنگی را باید مردم به عهده داشته باشند و تنها در مناطق ویژه‌ای حسب ضرورت برعهده دولت است.

۱۸- رعایت اصل ارتباط، پیوستگی، همبستگی و تجانس مأموریت‌ها، اهداف و راهبردها، متناسب بودن اختیارات با مسئولیت‌ها، رعایت اصل عدم تمرکز در امور اجرایی و سیاست‌گذاری استانی و رعایت تعادل در حجم و اندازه سازمان با مأموریت‌های محوله باید مدنظر قرار گیرد.

۱۹- ایجاد ساختار علمی در نهاد مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، برای ارزیابی علمی عملکرد فرهنگ سازی دستگاه‌های اصلی فرهنگ ساز کشور مثل آموزش و پرورش، آموزش عالی، وزارت فرهنگ و ارشاد و ... لازم می‌باشد.

۲۰- شفاف‌سازی تعامل دولت با نهادهای فرهنگی مردم در جهت تقویت و کیفیت بخشیدن به فعالیت‌های آنها و نیز شفاف‌سازی تعامل دولت با حوزه‌های علمیه با فرض حفظ استقلال آنها و گسترش خدمات متقابل، باید صورت گیرد.

پیشنهادهایی در راستای ساماندهی فعالیت‌های فرهنگی:

الف- تعیین اهداف و سیاست‌های کلان فرهنگی کشور توسط مقام معظم رهبری به موجب اختیارات مندرج در قانون اساسی.

ب- تدوین سیاست‌های اجرایی و برنامه‌ریزی کلان فرهنگی کشور توسط وزارت



فرهنگ و ارشاد اسلامی به موجب وظایف قانونی وزارتخانه و همچنین تأیید و پیشنهاد آن به مجلس توسط دولت.

پ- تصویب سیاست‌ها و برنامه‌های فرهنگی کشور توسط مجلس شورای اسلامی، که متضمن تأمین اعتبارات و بودجه لازم برای اجرای برنامه‌های فرهنگی کشور باشد.

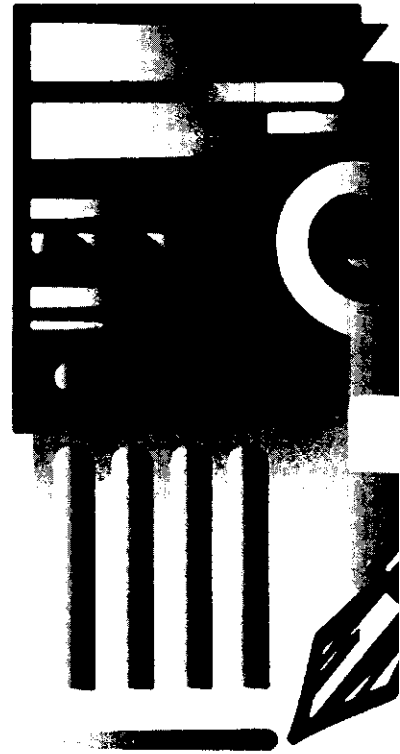
ت- هدایت و حمایت از توسعه کمی و کیفی فعالیت‌های فرهنگی کشور توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از طریق تدوین مقررات، ضوابط، استانداردها و شاخص‌های فرهنگی و فراهم نمودن تسهیلات اعتباری و قانونی برای توسعه مشارکت مردم و بخش غیر دولتی در انجام فعالیت‌های فرهنگی.

ث- نظارت و ارزیابی اجرای برنامه‌های فرهنگی در سطح کشور توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور جهت حسن اجرا، شناخت نقاط قوت و ضعف و تحقق برنامه‌های مصوب.

ج- برنامه‌ریزی منطقی و اجرایی امور فرهنگی در مناطق توسعه یافته به عهده شهرداری‌ها و نهادهای فرهنگی غیر دولتی و در مناطق محروم به عهده سازمان‌های فرهنگ و ارشاد اسلامی استان قرار گیرد.

چ- نظارت و ارزیابی فعالیت‌های فرهنگی و صدور مجوزهای لازم در مناطق توسعه یافته به عهده شهرداری‌ها و

هدایت و حمایت از توسعه کمی و کیفی فعالیت‌های فرهنگی کشور توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از طریق تدوین مقررات ضوابط، استانداردها و شاخص‌های فرهنگی و فراهم نمودن تسهیلات اعتباری و قانونی لازم است



نهادهای فرهنگی غیر دولتی و در مناطق محروم توسط سازمان فرهنگ و ارشاد اسلامی استان انجام می‌پذیرد. ح - انجام فعالیت‌های فرهنگی نظیر آموزش، تبلیغ، تولید و ترویج محصولات فرهنگی (نظیر کتاب، نشریات، فیلم و ...). و همچنین اداره مراکز فرهنگی (مانند سینما، تئاتر، کتابخانه، فرهنگسرا) به طور کلی به عهده شهرداری‌ها، نهادهای فرهنگی غیر دولتی، صدا و سیما، دانشگاه‌ها، مدارس و مساجد خواهد بود. بدیهی است که حمایت از این گونه فعالیت‌ها در مناطق محروم به عهده اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان می‌باشد. به این ترتیب با توجه به مطالب یاد شده، می‌توانیم بیان نماییم که اساسی‌ترین چالش‌های فرهنگی کشور شامل، فقدان مدل استراتژیک کلان توسعه فرهنگی، ابهام در امکان و ضرورت دخالت دولت در امر فرهنگ، فقدان روز آمدی در اندیشه‌ها و نیازها، توازی گرای ساختاری - نهادی

در فعالیت‌های فرهنگی، ضعف سازو کارهای مدیریت فرهنگی کشور، فقدان برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری استراتژیک و فقدان رویکردهای مناسب برای آموزش ارزشهای فرهنگی است. همچنین باید یادآور شویم که سازمان‌های فرهنگی بر اساس شرح وظایف و ماموریت‌های محوله، به سه رده ماموریت‌های جداگانه و سازمان‌های فرهنگی بزرگ اندازه، ماموریت‌های یگانه و سازمان‌های فرهنگی میان‌اندازه و

ماموریت‌های ویژه و سازمان‌های فرهنگی کوچک‌اندازه تقسیم می‌شوند.

علاوه بر این، سازمان‌های فرهنگی دولتی بر اساس موضوعات فعالیتی به سازمان‌های ویژه امور فرهنگی خارج از کشور، سازمان‌های ویژه امور فرهنگی در نیروهای مسلح و انتظامی کشور، سازمان‌های اسنادی، سازمان‌های ویژه اعتلای مساجد، سازمان‌های عرضه کننده خدمات فرهنگی ویژه طبقات سنی، صنفی و جنسی خاص و در نهایت به سازمان‌های فرهنگی دارای تشکیلات استانی رسمی تقسیم می‌گردند.

ه - اصول کلی در راستای ساماندهی فعالیت‌های فرهنگی:

با توجه به این موارد در اینجا می‌توانیم اصول کلی وضع مطلوب در خصوص حضور دولت در عرصه خدمات فرهنگی را به فهرست زیر مدنظر قرار دهیم:

۱- اعمال حاکمیت نظام: که مربوط به اعمال سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی جامع و سازماندهی در حوزه فعالیت‌های فرهنگی و دینی کشور می‌گردد و جزو وظایف حاکمیتی دولت است.

۲- تصدی‌های اجتناب ناپذیر: تصدی فعالیت‌های فرهنگی و دینی خارج از کشور و مناطق دارای حساسیت‌های حاد امنیتی و قومیتی و نیز تصدی برگزاری راهپیمایی‌ها برعهده دولت است. همچنین، تأمین مالی امور فرهنگی نیز در مناطق محروم شهری و روستایی به عهده دولت می‌باشد.

۳- واگذاری تصدی‌های غیرضروری به بخش‌های خصوصی و جذب مشارکت‌های مردمی: هرگونه فعالیت فرهنگی خارج از حوزه تصدی‌های اجتناب ناپذیر دولت، جزو تصدی‌های قابل واگذاری به شمار می‌آید و باید به نهادهای مردمی واگذار گردد.

۴- خدمات کلان ملی، ظرفیت‌سازی و سرمایه‌گذاری‌های بالاسری: این بخش مربوط است به تأمین مالی برخی امور فرهنگی مانند احداث و تجهیز کتابخانه‌های عمومی، کانون‌های فرهنگی و مساجد، دانشگاه‌ها و دیگر موارد از این دست، که تأمین منابع مالی آنها از طریق اختصاص منابع مالی دولتی امکان می‌پذیرد.

۵- خدمات محلی و حمایت مالی دولت: در صورتی که

در آن بخش از فعالیت‌های فرهنگی و دینی که تهیه منابع مالی آن جزء وظایف مالی مردم است، عدم توانایی مالی مردم و یا موارد دیگری مانند پایین بودن درجه دینداری و...، مسئولیت‌های اجتناب ناپذیری را برعهده دولت در زمینه تأمین مالی این موارد، می‌گذارد.

۶- شیوه نظارت بر عملکرد نهادهای فرهنگی و دینی غیردولتی کمک بگیر از دولت: با توجه به اینکه این گونه نهادها از اعتبارات دولتی استفاده می‌کنند، نظارت بر نحوه

عملکرد آنها برعهده دولت است و البته چنین نظارتی نباید منجر به نوعی دخالت و تعیین شیوه‌های فعالیت سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی شود.

۷- اجرای روش‌های هدایتی و ترویجی: در حالتی که مسئولان امور کلان فرهنگی کشور بر این باور باشند که نهادها و سازمان‌های فرهنگی از بالندگی و توانمندی کافی در رابطه با تعیین مجاری فعالیتی و یا نحوه اجرای اقدامات، برخوردار نیستند، باید بخشی از اعتبارات اختصاص یافته را به اقدام‌های هدایتی و ترویجی اختصاص دهند.

نتیجه‌گیری:

حضور دولت در برخی از فعالیت‌های فرهنگی، اجتناب ناپذیر است و برای نمونه در مواردی از قبیل سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های جامع، امور حاد امنیتی، امور فرهنگی خارج از کشور، تأسیس کتابخانه‌های عمومی و دانشگاه‌ها و مساجد بزرگ و تجهیز آنها، این ضرورت وجود دارد که دولت حضور داشته باشد.

با وجود این، در حال حاضر، فقدان مدل استراتژیک کلان توسعه فرهنگی و ابهام در امکان و ضرورت دخالت در امر فرهنگ، اساسی‌ترین چالش‌های فرهنگی کشور در حال حاضر می‌باشند.

به این ترتیب پیشنهاد می‌شود که برای تعیین اهداف و سیاست‌های کلان فرهنگی کشور اقدام گردد و در این زمینه از اختیارات مقام معظم رهبری به موجب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران استفاده شود و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مجلس شورای اسلامی نیز در جهت تدوین و تصویب برنامه‌های لازم اقدام نمایند.

منابع و مأخذ:

- ۱- آقایی - علی بابایی، فرهنگ علم سیاسی، ج ۱
- ۲- حسینی، سید احمد (۱۳۸۴). «طرح ساماندهی فعالیت‌های فرهنگی دستگاه‌ها و نهادهای دولتی فرهنگی»، دبیرخانه شورای فرهنگی
- ۳- شیرکوند، شهرام (۱۳۷۸) «اختیارات ولی فقیه (پژوهش در لزوم وجود ولایت فقیه در حکومت اسلامی)»، همایش سیاست و حکومت اسلامی از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره)، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران
- ۴- کتابی، محمود (۱۳۷۵) «مبانی سیاست و حکومت نوین» نشر گلبهار، چاپ اول
- ۵- کدیور، محسن (۱۳۷۴) «نظریه دولت در فقه شیعه (اندیشه سیاسی در اسلام)» نشر نی، تهران
- ۶- کدیور، محسن (۱۳۷۹) «دغدغه‌های حکومت دینی»، نشر نی، تهران
- ۷- مدده محمد (۱۳۷۳) «مدیریت اسلامی در حکومت اسلامی» سازمان بنادر و کشتیرانی
- ۸- معصومی، مسعود (۱۳۷۹) «نگاهی نو به حکومت دینی»، سلسه مباحث طبقه بندی شده حوزه علمیه قم و دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول
- ۹- میر حسینی، مهدی (۱۳۷۱) «آشنایی با تشکیلات دولت جمهوری اسلامی ایران» مرکز آموزش مدیریت دولتی، ص ۱۶.